

چشم‌تان روشن

خبرهایی که حال دلمان را خوب می‌کند
برای ما ارسال کنید

به‌قول قدیمی‌ها، آدمیزاد به‌امید زنده است. برای امیدواری پنهان که هیچ، دلیل‌ها هم فراوان‌اند. می‌گویید نه؟ کافی است هر روز به «چشم‌تان روشن» سری بزنید و به‌خبر خوشی که‌ازمیان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده‌ایم، نگاهی بیندازید. کوچک یا بزرگ، فرقی نمی‌کند؛ اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما درمیان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را باهم‌شهر یانمان به‌اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی‌مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به‌شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۶ پیامک بدهید تا در کوتاه‌ترین زمان پاسخ‌اتماس بگیریم و چشم مردم را به‌خبر خوش‌تان روشن کنیم.

یادداشت

اقتدار پلیس؛ امنیت جامعه



زبان دبستان را خیال انگیزترین و پرتصورترین زبان می‌دانم؛ زبانی که برای همه ما آشناست؛ آشنا و مانا در ذهن. این زبان را از چشم‌ها هم می‌شود خواند. تجربه تحصیلی و حتی زندگی می‌گوید شاید درس‌های کلاس‌های دیگر را درگذر زمان فراموش کنیم، اما ساختار درسی دبستان بسان خاطرات روشن

تا همیشه با آدم می‌ماند. مادر کلاس اول دبستان در کتاب فارسی با الفبا آشنا می‌شویم و در کتاب ریاضی با جدول ضرب. از این دو مؤلفه یادگیری وام می‌گیرم تا در یک درس اجتماعی که تا همیشه ما را باید تدبیر کند، به یک فهم مشترک برسیم. می‌دانیم که الفبا، ترتیب حروف را به ما می‌آموزد. این راه‌هم البته می‌دانیم که در چیش کلمات، جای حروف بسته به نقشی که دارند، فرق می‌کند. برخی حروف شاید کمتر استفاده شوند، اما برخی حروف بسامد بیشتری دارند و زیاده‌تر به کار و به چشم می‌آیند، مثل «پ» در ساحت امنیت و آرامش. البته حرف «پ» اولین حرف الفبای امنیت نیست. نباید هم باشد. اگر بخواهیم با الفبای مدرسه قیاس کنیم، باید آن را بگذاریم جای «ی»، آخرین حرف الفبا، اما «پ» نمایان‌ترین حرف این الفباست و نماد آن نیز هم، جامعه امنیت را با پلیس و کارکرد امنیت بانی‌اش، اندازه می‌گیرد. اما واقعیت این است که در مراحل پیش‌نیاز و عملی، بسیاری از نهادها و حتی «شخص-فرهنگ‌ها» پیش از پلیس باید ایفای نقش کنند، در حوزه فرهنگ و تربیت و پرورش شخصیت انسان‌ها تا ساخت سازه‌هایی که امنیت را ارتقا دهند. فقط وقتی دیواری فرو ریخت و حرزهای شکست، باید پلیس به میدان بیاید، نه اینکه همه بار خود را زمین بگذارند و توقع داشته باشند پلیس آن همه را بردارد. نمی‌شود این تجربه جهانی هم این را امضا می‌کند که نمی‌شود همه بار را زمین گذاشت و توقع داشت به‌بهترین شکل برداشته شود و با سلامت به مقصد برسد. زمانی می‌شود توقع داشت که همه چیز سر جای خودش باشد که «همه»، تمام وظیفه و نقش خود را در کارکردی حرفه‌ای به انجام رسانند. اگر چنین نشد، نه تنها آن توقع نایب‌جاست، بلکه با رفتارهای نایب‌جا در جامعه مواجه خواهیم شد که خسارت‌هایش دامن همه را خواهد گرفت. اینجاست که باید جدول ضرب

و تقسیم به میان بیاید و سهم‌ها را مشخص کند. به این مهم توجه کنیم تا جغرافیای وطن از مرز تا مرز، به کنشگری همگانی و امنیت تمام‌ساختی برسد. در این زمینه، هر حلقه‌ای که ترک بردارد، از قوت همه زنجیر کاسته می‌شود. استحکام همه زنجیره است که انسان را به امنیت می‌رساند و امنیت ستیزان را زنجیر بر پای می‌نهد. بدانیم که هر چاله‌ای که ایجاد شود، هر زخمی که بر جسمی بنشیند، هر آهی که از نهاد جانی برخیزد، نه فقط پلیس، بلکه همه ما مسئولیم. کار خود را درست انجام دهیم، باقی‌مانده را پلیس به اقتدار انجام خواهد داد، اقتداری که جان‌مایه از همراهی تمام‌ساختی مردم می‌گیرد. البته میوه شیرین شجره طوبه اقتدار هم در سب و سفره و کام مردمان قرار می‌گیرد. اینجاست که می‌توان گفت کمک به پلیس در ارتقای امنیت، کمک به خویش است. حمایت از امنیت، قوه کردن دیوار خانه خود معنا می‌شود. خردمندان با این شیوه از خانه و جامعه و کشور خود دفاع می‌کنند. ملت ما هم در خردمندی و خردورزی، پرچم‌دار است.

تبلیغات مؤثر با کمترین هزینه

۵۲۷۲ ۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ داخلی



تلاش‌های «بازی‌رسان» و «اسلیما» برای مقابله با تهاجم فرهنگی به ثمر نشست

سنگر جهاد در میدان بازی



گروه جامعه

گزارش روز

از صفر شروع کرده‌و برای رسیدن به اوضاع امروز، روزهایی پرفراز و نشیب را پشت سر گذاشته‌اند. تفاوت آن‌هایی که بخشی از ماجرای موفقیتشان را با شما درمیان می‌گذاریم، با دیگران در این است که به ایده‌هایشان بی‌اعتنایی نکردند، معمولی بودن را نخواستند و با نخستین زمین خوردن‌ها، بی‌خیال ماجرا نشدند. نتیجه این شده است که همگی امروز حرفی برای گفتن دارند و جزو شناخته‌شده‌ها در حوزه کاری تخصصی‌شان هستند. روایت هر کدامشان را که بخوانید، شباهت‌هایی پیدا خواهید کرد بین دیروز آن‌ها و امروز خودتان؛ شباهت‌هایی که اگر جدی گرفته شوند، می‌توانند نقطه آغاز موفقیت‌های آینده‌تان باشند.

نذر بازی با «بازی‌رسان»



مثلا خرید وسایل بازی برای مساجد و حسینیه‌ها، همین‌طور دادن تخفیف به عموم مردم. بازی‌ها وحییم و سنگین هستند و هزینه ارسالشان زیاد در می‌آید. اگر مردم پای کار بیایند، می‌توانیم هزینه‌های ارسال به شهرستان‌ها و مناطق محروم را حذف کنیم.

یک نمونه از برکت انس‌بچه‌ها با فضاهای مذهبی از طریق بازی کردن را نیز این‌طور برایمان شرح می‌دهد: شب‌های قدر در فضایی که کنار یکی از حسینیه‌ها بود، وسایل بازی نوجوان‌ها

را فراهم کردیم. قرآن به سرگرفتن را کوتاه برگزار کردیم، صرفا در این حد که بچه‌ها در فضای شب قدر باشند. سوای خاطر جمعی والدین از حضور نوجوانان در محیطی امن، هنوز با آن نوجوان‌ها ارتباط داریم و برایشان کلاس می‌گذاریم. این ارتباط با ارزش در شب‌های قدر کلید خورد و اجر آن با کسانی است که در این نیت خیر مشارکت کردند. صفحه اینستاگرام این مجموعه جهادی به‌نشانی @baziresan را هم یادآوری می‌کند برای آن‌هایی که نیت نذر را محدود به مواردی بالارزش، اما متواتر مثل نذرهای خوراکی نمی‌بینند.



برای ترویج بازی‌های درست و حسابی، سرمایه‌ای هم از خودمان نداشتیم. مردم پای کار آمدند و با نذر مبالغی برای خرید وسایل بازی، کمک کردند

خودش را یک طلبه معلم معرفی می‌کند. تدریس در مدارس و ارتباط با بچه‌ها و والدین واقعیت‌هایی ناراحت‌کننده را از با هم بودن‌های خانوادگی خبر می‌داد. برخی والدین از اعتیاد بچه‌هایشان به تلفن همراه می‌گفتند و ارتباطی که دارد بی‌رنگ می‌شود. این مضل در خانواده‌های بالای شهری و متمکن یک جور خودش را نشان می‌داد و در خانواده‌های کم‌برخوردار حاشیه‌شهرنشین، یک‌طور دیگر. برخی محافل مذهبی نیز در دغدغه مشترکی داشتند و از ریزش مخاطبان نوجوانان‌شان تعریف می‌کردند. نسخه‌ای که حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا ربیعی برای این درد رویه‌گسترش پیچید، از جنس یک وقت‌گذرانی کم‌فایده به حساب نمی‌آید: از آبان ۱۳۹۸ که مجموعه بازی‌رسان کلید خورد، تا الان هرگز نگاهمان کسب منفعت نبوده است. برای ترویج بازی‌های درست و حسابی، سرمایه‌ای هم از خودمان نداشتیم. مردم پای کار آمدند

و با نذر مبالغی برای خرید وسایل بازی، کمک کردند موجودی مان ۱۰۰ عنوان بازی به بیش از ۱۵۰ عنوان بازی برسد و دیده شویم، نه فقط در مشهد، بلکه در نقاط مختلف کشور از یزد، اهواز و نیشابور گرفته است تاساری، گنبد کاووس و... یک کافه بازی هم راه‌اندازی کردیم که مخاطب آن نوجوان‌های مشهدی هستند و زائران نوجوانی که از سراسر کشور برای زیارت به مشهد می‌آیند و با چند دست بازی زیر نظر مربی آموزش دیده، حظ حضورشان در مشهد به نهایت می‌رسد.

مدیر مجموعه بازی‌رسان می‌گوید: نذرهای مردمی صرف چند چیز می‌شود،



ماجرا به سال ۱۳۹۵ برمی‌گردد، به یک پروژه دانشجویی مثل هزاران پروژه دیگری که شروع می‌شود و بعد از مدتی، به هزاروبیک دلیل ناقص می‌ماند و رها می‌شود. مجید کریمی که این روزها او را به عنوان چهره‌ای شناخته‌شده در صنعت تولید بازی می‌شناسند، در آن سال دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته شیمی، گرایش پلیمر بود. او باید از میان قطعات مختلف پلیمری معرفی شده، یکی را برای تحقیق انتخاب می‌کرد. بی‌آنکه اطلاعی از وضعیت بازار داشته باشد، اسباب را انتخاب کرد.

گشت و گذارش در بازار مشهد با همین رویکرد شروع شد. آن‌طور که برایمان تعریف می‌کند، همه کانون‌های عرضه اسباب بازی در شهر را زیرورو کرد، از فروشگاه‌های اطراف حرم مطهر گرفته است تا بازارهای بولوار مصلی و فروشگاه‌های آن‌چنانی در نقاط برخورد شهر. نتیجه‌ای که از این بررسی به دست آورد، عجب و باعث تأسف بود؛ اینکه در این بازار رنگارنگ، چه در زمینه اسباب بازی‌ها که رویکردشان صرفا سرگرمی است و چه در بازی‌ها که یک جور فرایند حل مسئله اختیاری به شمار می‌روند، از فرهنگ ایرانی اسلامی خبری نبود.

بازار مشهد پر بود از محصولاتی که دیگران برای مخاطب ایرانی طراحی کرده و بی سروصدا ضمیم ناخودآگاه مخاطب را نشانه رفته بودند. مؤسس و مدیر توسعه شرکت صنایع فرهنگی اسلیما می‌گوید که در بررسی‌هایش کارهای معدودی را که تا آن زمان انجام شده بود هم دیده بود، اما هیچ کدامشان به دلایلی آشنا مثل تغییر مدیریت در دستگاه‌های دولتی پس از مدتی، نتوانسته بودند به حیات خود ادامه دهند.

او از سؤالی می‌گوید که جواب آن برایش خیلی مهم بود؛ آن قدر که هشت ماه تمام روی آن وقت گذاشته است: می‌خواستم بدانم چرا با وجود پشتوانه فرهنگی غنی، این صنعت در کشور ما جان نمی‌گیرد.

راه‌حلی که او برای پیدا کردن، انجام یک پژوهش میدانی در قالب گفت‌وگو با فعالان این صنعت بود. چهارصد نفر از بنکداران، مروجان، تولیدکنندگان و فروشندگان خارجی بلاد نام می‌برد و از روند ادامه دار بازارپایی این مجموعه می‌گوید.



در این بازار رنگارنگ، چه در زمینه اسباب بازی‌ها که رویکردشان صرفا سرگرمی است و چه در بازی‌ها که یک جور فرایند حل مسئله اختیاری به شمار می‌روند، از فرهنگ ایرانی اسلامی خبری نبود

را انتخاب اولیه وسی شخصیت را انتخاب نهایی کنیم. در نهایت این بازی رومیزی را که در دسته بازی‌های خانوادگی جای می‌گیرد، رونمایی کردیم؛ برای سنین ۱۰ سال به بالا، با حداقل ۲ و حداکثر ۶ بازیکن. هر دور بازی حدود نیم ساعت زمان می‌برد و بازیکن‌ها ضمن انجام آن، یادوران شکوفایی علمی در دنیای اسلام و تعامل مردم با دانشمندان مسلمان آشنا می‌شوند. با اطمینان از شناخته‌شده بودن بلاد در بازار داخلی، از مشتری‌های احتمالا خارجی آن که می‌پرسیم، از فرانسه و آلمان به عنوان نمونه‌هایی از طرفداران خارجی بلاد نام می‌برد و از روند ادامه دار بازارپایی این مجموعه می‌گوید.



چشم‌تان روشن

یک عروسی و ۳۸ عروس!

بالاخره هر پسری یک روز لباس دامادی به تن می‌کند و راهی خانه بخت می‌شود. هر پسری یک روز روی پای خودش می‌ایستد و می‌شود مرد یک خانه و سرپرست یک خانواده. دیر و زود دارد و اتفاقا سوخت و سوز هم دارد. سوخت و سوزش برای آن است که برخی خانواده‌ها از سر دل سوزی سنگ می‌اندازند بر مسیر خوشبختی جوان‌ترها. مثلا پیش آمده است که آقای داماد دختری را خواستگاری کرده باشد و خانواده دختر مخالفت کنند و بگویند: «آقای داماد باید سربازی‌اش تمام شده باشد، کار داشته باشد، خانه و خودرو هم که حتما، عروسی لاچکری و مهریه زیاد هم که از واجبات است.» حالا چقدر این‌ها ضامن خوشبختی‌اند را دیگر خدا می‌داند. شب گذشته ۳۸ عروس به کادر مرزبانی استان خراسان بله گفتند و راهی خانه بخت شدند. این زوج‌های جوان عروسی لاچکری هم برایشان ملاک نبود. جشن ازدواجشان را در جوار بارگاه ملکوتی امام مهربانی‌ها برگزار کردند. سردار مجید شجاع، فرمانده مرزبانی استان خراسان رضوی، در حاشیه این مراسم به ما گفت: مرزبانان همواره در راستای خدمت به مردم و هم‌وطنان پیش‌گام بوده‌اند و هستند. امروز نیز شاهد یکی دیگر از افتخارآفرینی‌های آن‌ها هستیم. اینکه امروز این مرزبانان به همراه همسر گرامی‌شان تصمیم گرفتند شروعی بسیار ساده و به دور از تجملات در زندگی داشته باشند، خودش نشان دهنده دوراندیشی آن‌هاست. شما هم اگر می‌توانید گره از ازدواج جوانی باز کنید، حتی اگر شده است به اندازه وساطت کردن، از همین الان بسم! ... حدیث داریم از امام صادق(ع): هر کس زمینه ازدواج مجردی را فراهم کند، از کسانی است که خدا در روز قیامت به آن‌ها نگاه لطف آمیز می‌کند.